

نقش جامعه نبوی و حکومت اسلامی در تعلیم و تربیت اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۵/۱۸

ولی الله ملکوتی فر*

حسن فریدی**

چکیده:

جامعه کنونی ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند دگرگونی در روش‌های تربیتی، به منظور پرورش نسلی سازنده، مستقل، آزاده و خداجوست. لازمه چنین تحولی، رهایی از وضع موجود است؛ یعنی اقدام به یک انقلاب علمی - نگرشی در مفاهیم و روش‌های تربیتی، به گونه‌ای که بتوان تربیت را از اقتصاد و تجارت جدا کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که راز اصلی موفقیت بچه‌ها، نه در کمیت و انبوه‌سازی اطلاعات، بلکه در کیفیت ارائه نکات تربیتی، به خصوص مکتب تربیتی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است. در پژوهش حاضر که با روش تحلیل اسنادی انجام شده، ضمن اشاره به تعاریف و بررسی تربیت از نگاه قرآن و اسلام، به برخی مبانی، اصول، روش‌ها و رفتارهای مکتب تربیتی از منظر پیامبر اکرم (ص) پرداخته شده است. هدف این نوشتار، ارائه تصویری اجمالی از نظام تربیتی پیامبر اعظم (ص) است. بیان شاخصه‌های تربیت نبوی و ویژگی‌های تربیتی مورد تأکید حضرت رسول (ص) از نظر علم و عمل که اغلب مبتنی بر فطرت ذاتی انسانند و این امر، جاودانه بودن تربیت نبوی را بیمه می‌کند. نتیجه اینکه، نظام تربیت نبوی در هر زمان و مکان، قابل اجراست و ضرورت مراجعه به آن، نیاز امروز و آینده بشر است و راهی برای برون‌رفت از معضلات فرهنگی - اجتماعی موجود در جهان امروز به نظر نمی‌رسد، جز بازگشت به تعلیم حیاتی رسول خدا (ص) که ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان است.

واژگان کلیدی: اسلام، پیامبر اکرم (ص)، قرآن کریم، تربیت، مکتب.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.

** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس دانشگاه پیام نور واحد شیروان. Email: hasanfariditakmaran@yahoo.com

هدف اصلی تربیت این نیست که فرزندان را بار آوریم مطیع دستور و مقلد رفتارهای خود! بلکه هدف، پرورش افرادی است که توانایی انجام کارهای بکر و تازه را داشته باشند و به تکرار آنچه نسل‌های قبل انجام داده‌اند، قناعت نکنند. اگر کودکان را به گونه‌ای بار آوریم که همه چیز را همان طور که ما می‌خواهیم و می‌پسندیم، بدون مقاومت و بدون هیچ اندیشه‌ای بپذیرند، نباید انتظار خلاقیت و استقلال از آن‌ها داشته باشیم. خداوند، خود آفریننده و خلاق است و خلاقیت، هدیه‌ی خداوند به ماست. لذا بهتر است زمینه‌ی بروز و پرورش این هدیه‌ی الهی را در کودکان خود فراهم کنیم. باید به جایی برسیم که بدانیم با گفتن، تربیت صورت نمی‌گیرد؛ با نصیحت، رفتار تغییر نمی‌کند؛ با یاد دادن، یادگیری درونی نمی‌شود؛ با فهماندن، فهمیدن به وجود نمی‌آید و با دینی کردن، دینی شدن صورت نمی‌گیرد.

در این مجال سعی شده است با استناد به سیره‌ی تربیتی پیامبر اعظم (ص)، ارزنده‌ترین و جدیدترین پیام‌های تربیتی که از کردار آن حضرت استنباط می‌شود، دریافت کرده، در زندگی روزمره از آن‌ها به عنوان الگوی دقیق استفاده کنیم.

تعریف اصطلاحات

الف) تربیت

تربیت از دیدگاه شهید مطهری عبارت است از: «پرورش دادن؛ یعنی استعداد‌های درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن». (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۶)

برخی از دانشمندان، تعریف‌های دیگری از تربیت ارائه کرده‌اند؛ از جمله: «انتقال معلومات و مهارت‌ها»، «تشکیل عادات و صفات معین در فرد»، «به فعلیت رساندن قوا و استعداد‌های انسان»، «آماده کردن خود برای زندگی در اجتماع معین» و «ایجاد محیط مساعد برای ارضای رغبت‌های فرد». (بهشتی، ۱۳۶۰: ۴۵ و ۴۸)

ظاهراً تربیت از منظرهای متفاوت و معرفت‌های گوناگون، تعریف‌های مختلف را شاهد بوده است. اما آنچه می‌توان از آن به عنوان قدر مشترک و مورد پذیرش تمامی دانشوران این عرصه ذکر کرد، این است که تربیت، مصدر باب تفعیل از ماده «ربی، یربو»





است که در لغت به معنای رشد یافتن یا رشد دادن مترقی، بسته به مبدء اشتقاق آن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۰۵)

در اصطلاح، تربیت عبارت است از «رشد دادن یک پدیده از راه برطرف کردن موانع و فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته در آن». (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۲۰)

ب) سیره

«سیره» از کلمه «سیر» گرفته شده؛ یعنی حرکت در زمین، در زمین راه رفتن و گذشتن و عبور کردن. «سیره»: نوعی خاص از حرکت انسان، نوعی رفتار. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۳۵)

ج) تزکیه

تزکیه، یکی از مفاهیم کلیدی در فرهنگ اسلامی و قرآنی است. تزکیه در لغت به معنی نمو و رشد دادن و در اصطلاح به معنی تطهیر و پاک کردن آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۰۵، ج ۲۷: ۴۷؛ نقل از: مفردات راغب). قرآن مجید پس از ۱۱ سوگند می فرماید: «فَدَأْفَلَحَ مِنْ زَكَوَاتِهَا. وَ قَدْ خَابَ مِنْ دَسَائِهَا» (شمس، ۹-۱۰)؛ «سوگند به همه این‌ها که هر کس نفس خود را تزکیه کند، رستگار است و هر کس نفس خود را آلوده ساخت، [از لطف خدا] محروم گشت». قرآن مجید هدف پیامبران را تزکیه و پرورش نفوس ذکر فرموده است. (آل عمران، ۱۶۴)

د) نظام

«نظام» در لغت، از ماده «نظم» به معنای ترتیب، سازمان، مقررات، ساختار و روشمندان و آیین‌نامه آمده (آذرنوش، ۱۳۸۱: ۶۹۹) و در اصطلاح عبارت است از: مجموعه اجزای مرتبط و به هم پیوسته که مرکب واحدی را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که اگر در یک جزء آن مرکب خللی وارد شود، همه اجزا از کار می‌افتند و اثر خود را از دست می‌دهند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۴۱۰)

ضرورت تربیت

در میان پدیده‌های جهان، هر جا رشد و پویایی و زندگی حضور دارد، پرورش و تلاش برای رشد بهتر و زندگی برتر نیز به وجود خواهد آمد. در میان موجودات رو به تکامل این جهان، انسان بیش از سایر جانداران، نیازمند مراقبت و تربیت است. انسان

موجودی «گرامی داشته‌شده» است. خداوند تعالی در خلقت او چنین اراده کرده و با توجه به آیات قرآن، روح الهی منشأ کرامت انسان به شمار می‌رود: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰)؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... .

یکی از روش‌های تربیتی، روش الگوبرداری است. امروزه این روش در آموزش و پرورش، کاربرد فراوانی دارد. در موضوع تربیت نیز از این روش می‌توان بهره‌ فراوان برد. در این میان، انبیای الهی به عنوان معلمان بشر، بیشترین همت خود را متوجه امر تربیت کرده‌اند.

پیامبر اعظم (ص) به عنوان آخرین فرستاده خدا در زمین، بهترین نظام تربیتی را برای تربیت انسان آورده است. هر چند نظام تربیتی اسلام به صورت امروزی و به سبک جدید تنظیم نشده، ولی در باب تعلیم و تربیت، اندیشه‌های ناب و عمیقی در آیات و روایات وجود دارند که با استخراج و تجزیه و تحلیل آن‌ها، می‌توان به نظام تربیتی ویژه‌ای دست یافت. قرآن کریم در آیات متعدد، تعلیم و تربیت را از اهداف مهم بعثت رسول خدا (ص) می‌شمارد: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴)؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک گرداند و ایشان را کتاب و حکمت بیاموزد.

تلاوت آیات الهی و تزکیه نفوس مردم، عمده هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) بوده که در این آیه، بدان تصریح شده است.

تربیت از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم واژه «تربیت» به کار برده نشده، ولی واژه «تزکیه» که با تربیت و تهذیب هم‌معنی است، به طور مکرر مطرح شده است: «خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولانی از خود آنان در میانشان برانگیخت تا آیات خدا را بر آن‌ها تلاوت کنند و نفوس آن‌ها را از هر نقصی و آرایش پاک گردانند و ایشان را کتاب و حکمت بیاموزند (آل عمران: ۱۶۴). در جای دیگر می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا» (شمس: ۹)؛ مسلماً رستگار شد آن که جان را تزکیه کرد.

در واقع؛ تربیت بدون تزکیه امکان ندارد؛ چون تزکیه برای تربیت، مانند روح است برای بدن. کسی که روح خود را از هوی و هوس پاک نگه دارد، می‌تواند به تربیت درست



دست یابد. پیامبر اکرم(ص) در مورد تزکیهٔ نفس و پاک نگه داشتن آن می‌فرماید: «بَتْرِكِيهِ النَّفْسُ يَحْصِلِ الصَّفَاءُ؛ با پاک ساختن نفس، روشنی و صفای باطن به دست می‌آید». (محمّدی ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۴: ۱۴۲۷)

نیاز انسان به تربیت

هر انسانی به طور طبیعی دو نیروی متضاد عقل و نفس را در ذات خود دارد و به طور طبیعی می‌خواهد از هر قید و بند آزاد باشد و به خواهش‌های نفسانی‌اش برسد. به همین دلیل، انسان نیازمند تربیت است و هدف از بعثت پیامبران نیز هدایت انسان معرفی شده است. اگر انسان تحت تربیت صحیح قرار نگیرد، به سوی غرایز هدایت می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند شما را از رحم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز را نمی‌دانستید». این آیه دلالت بر ضرورت تربیت دارد؛ چرا که انسان هیچ نمی‌داند و باید آموزش ببیند. در بین موجودات جهان، تنها انسان است که باید تحت تربیت و مراقبت قرار گیرد.

انسان در ساده‌ترین کارها، مانند راه رفتن، سخن گفتن و... باید تحت تعلیم قرار گیرد و تربیت آن‌ها را خدا بر عهده دارد. نیاز انسان به تربیت، کمتر از نیاز او به غذا نیست؛ غذا، احتیاج جسم را تأمین می‌کند و تربیت، احتیاج روح را؛ تن آدمی از بی‌غذایی و روح انسان از نبود تربیت می‌میرد.

بنابر این، تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌های جسمی و روحی و روانی فرد، جامعه، خانواده و کشور، متکی بر اصل تربیت است. تربیت نه تنها برای دنیای انسان مفید است، بلکه سعادت آخرت را نیز تأمین می‌کند. نوزاد آدمی هر چند آدمیزاده باشد، اما در ابتدا آدم نیست و تنها با تربیت و تعلیم می‌تواند به مراحل کمال برسد و فرشته‌خوی شود.

حال برای تربیت انسان باید مربی آگاه و توانمند وجود داشته باشد؛ کسی که خودش به بالاترین درجهٔ کمال رسیده باشد و چه کسی بهتر از پیامبر گرامی(ص)! کسی که به عنوان خاتم پیام‌آوران است؛ کسی که تربیت‌یافتهٔ خداوند است. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «انا أدیب الله»؛ من تربیت‌یافتهٔ خداوندم. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۰)

سؤال مهمی که بارها تکرار شده این است که: برای تربیت از چه زمانی باید آغاز

کنیم؟

از دیدگاه اسلام، زمان تربیت به سال‌های قبل از تولد برمی‌گردد؛ یعنی به زمان قبل از انعقاد نطفه؛ چرا که بسیاری از صفات به صورت وراثت به فرزندان منتقل می‌شود؛ یعنی والدین حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها باید مراقب اعمال، رفتار و اخلاق خود باشند تا نسل‌های آینده سالم باشند.

حال سؤال دیگری مطرح می‌شود که: کدام مرحله از تربیت، مهم و حساس است؟ طبق روایات اسلامی، هفت سال اول زندگی در بین مراحل تربیت، از حساسیت و ظرافت خاصی برخوردار است؛ زیرا در این مرحله است که شخصیت و آینده کودک پایه‌گذاری می‌شود. پیامبر اکرم (ص) در این مورد می‌فرماید: «فرزندان ما پاره‌های جگر ما و خردسالانشان فرمانروایان مایند» (میرزایی، ۱۳۸۴: ۵۵)

ضرورت تربیت در اسلام

مسئله تربیت، موضوعی است که در تمام ادیان و مکتب‌ها مورد توجه قرار گرفته است. هر مکتبی بر اساس هدفی که دارد، طرح تربیتی مخصوصی را دنبال می‌کند. برای مثال، مارکسیسم به عنوان یک مکتب اشتراکی یا کاپیتالیسم به عنوان یک مکتب سرمایه‌داری، برنامه‌های پرورشی خود را بر اساس اغراض و هدف‌هایی که دارند در مورد انسان پیاده می‌کنند که در خدمت آن هدف‌ها باشند.

مکاتب بر اساس طرح تربیتی‌ای که اتخاذ می‌کنند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف) مکاتبی که به استعداد‌های انسان توجه نداشته، منکر ابعاد واقعی انسان هستند، مانند مارکسیسم؛ یا اگر توجهی دارند، بسیار ناچیز است، مانند مکتب فروید.

ب) مکاتبی که با توجه به ابعاد معنوی و مادی انسان و با شناخت استعدادها و غرایز او، مسائل تربیتی را طرح می‌کنند، مانند اسلام.

بنابر این، تعریف تربیت در اصطلاح هر مکتبی، متأثر از دیدگاهی است که آن مکتب نسبت به انسان دارد. با توجه به هدف‌های اسلامی، تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از: «به فعلیت رساندن قوا و استعداد‌های انسان و ایجاد تعادل و هماهنگی در آن‌ها در جهت رسیدن به کمال مطلوب او؛ یعنی قرب خدا» (امین‌زاده، بی‌تا: ۱۲)

انسان برای دستیابی به کمال حقیقی خویش باید مبدأ فیض را بشناسد. پس نخست باید به معرفت برسد؛ زیرا بدون شناخت معرفت و دانش، کور است. انسان برای رسیدن



به کمال الهی، نیازمند تربیت است. از طرفی، انسان کمال وجودی و اوج حقیقی خویش را در ستایش و پرستش الله می‌یابد.

هدف از خلقت جهان، انسان و کمال اوست. طبق آیه ۵۶ سوره ذاریات: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ جن و انس را جز برای آنکه مرا پرستش کنند، نیافریده‌ام. بنابر این، کمال انسان جز با پرستش حاصل نمی‌شود.

زیباترین سرمشق

از ویژگی‌های برجسته اسلام، دارا بودن منطق عملی آن است؛ یعنی برای هر اصل، اسلام یک الگوی عملی فراهم ساخته است. اسلام در بُعد رفتاری، اجتماعی، تبلیغی و... دارای الگو و اسوه و سیره است؛ حال چگونه ممکن است در بُعد تربیتی، الگو و اسوه نداشته باشد و از موضوع مهمی چون تربیت غافل شده باشد و در تعالیم اسلامی چیزی به عنوان الگوی تربیتی معرفی نشده باشد!

از شاخص‌های مهم نظام تربیتی پیامبر اسلام (ص) این است که مبتنی بر فطرت انسانی است. پیامبر اکرم (ص) مانند دیگر انبیا، برای شکوفاسازی فطرت ذاتی بشر آمده و می‌خواهد سرشت اولیه آدمی را، که مقتضی کمال و سعادت واقعی اوست، احیا کند و به ثمر برساند.

از نظر اسلام، ابتدا باید انسان، ابعاد وجودی، نیروها و استعدادها را بشناسیم و آنگاه به تربیت وی پردازیم؛ چون شناخت حقیقت ژرف و نامتناهی وجود انسان به طور کامل، مشکل است؛ پرده‌های ستر غرایز و مادیات، عقل و تمیز آدمی را احاطه کرده، خود قادر به برنامه‌ریزی و تهیه قانون کاملی که تأمین‌کننده صلاح و سعادتش باشد، نیست. خدای متعال که آفریننده انسان است، برنامه تربیتی او را تعیین و توسط پیامبران به انسان‌ها ابلاغ فرموده است.

خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب، آشکارا بهترین الگو را پیامبر (ص) معرفی می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

برای درک معارف و دستورات اسلام در بحث تربیت، لازم و ضروری است که از زندگانی پیامبر (ص) شناخت داشته باشیم؛ چرا که شناخت مقام و منزلت آن حضرت،

تأثیر زیادی در عمق بخشی به ایمان و عمل ما دارد. هر اندازه که شناخت ما از اعمال و کردار و فلسفه رفتار پیامبر(ص) زیاد باشد، به همان اندازه، علاقه و محبت به آن حضرت در دل ما بیشتر خواهد شد.

حضرت علی(ع) در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه می فرماید: «فَتَأْتِيَنَّ بَنِيكَ الْأَطْيَبُ الْأَطْهَرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَأَ لِمَنْ تَأْتِي، وَعِزَاءَ لِمَنْ تَعَزَى - وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ، وَالْمُقْتَصِصُ لِأَثَرِهِ»؛ پس به پیامبر پاکیزه اقتدا کن که (در گفتار و کردار و زندگی) او الگوی مناسبی است برای الگوخواهان و مایه فخر و بزرگی است بر کسانی که خواهان بزرگی اند و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که پیشرو پیامبرانش بوده، قدم بر جایگاه قدم‌های او بگذارد. (دستی، ۱۳۹۰: ۳۰۰)

اینکه در قرآن، پیامبر(ص) را به عنوان «أسوة حسنه» معرفی فرموده، نشان دهنده بزرگ ترین تفاوت میان مکتب انبیا و مکاتب دیگر است؛ چرا که موضوع مکتب انبیا، تربیت انسان است و سیره تربیت، سیره عملی است. در واقع؛ انبیا با عمل خود، انسان را تربیت می کنند.

تمام تعلیمات و فعالیت‌های تربیتی پیامبر(ص) بر این واقعیت‌های دینی و انسانی مبتنی است؛ چرا که آن حضرت، فطرت انسانی را پرورش می داد، مردم را به توحید دعوت می کرد، انسان را با اهداف آفرینش و هدف خلقت خویش آشنا می ساخت، با هر فرد به اندازه قدرت درک و فهمش سخن می گفت و راه رسیدن به سعادت ابدی را برایش روشن می کرد تا با اراده و اختیار خود، آن راه را برگزیند. خداوند نیز می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳)؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس.

صفات اخلاقی پیامبر(ص)

پیامبر اعظم(ص) به عنوان آخرین فرستاده خدا در زمین، بهترین نظام تربیتی را برای تربیت انسان آورده است. قرآن کریم در آیات متعدد، تعلیم و تربیت را از اهداف مهم بعثت رسول خدا(ص) برمی شمارد: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴)؛ به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر



ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.

اگر قرار است رفتار، کردار و گفتار پیامبر(ص) سر مشق و الگو باشد، آگاهی و شناخت پیدا کردن از همه حالات و خصوصیات آن حضرت بر همه لازم و ضروری است. در ادامه به برخی از خصوصیات رفتاری و تربیتی پیامبر اعظم(ص) اشاره می‌شود.

۱. خلق عظیم

خداوند در قرآن در مورد پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و راستی که تو را خویی والاست. وقتی خداوند متعال از چیزی با عظمت یاد می‌کند، معلوم است که او از عظمت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ اخلاقی که عقل در آن حیران است، لطف و صفا و صمیمیتی بی‌مانند و صبر و استقامت و تحمل و حوصله‌ای توصیف‌ناپذیر دارد.

پیامبر(ص) اگر مردم را به بندگی خدا دعوت می‌فرمودند، خود بیش از همه عبادت می‌کردند؛ اگر کسی را از کار زشتی باز می‌داشتند، خود هیچ وقت مرتکب کار زشت نمی‌شدند؛ هرگز بدی را با بدی پاسخ نمی‌گفتند؛ در برابر کسانی که ایشان را می‌آزردند، عفو و گذشت می‌کردند و برای هدایت آن‌ها دست به دعا برمی‌داشتند.

امام صادق(ع) در رابطه با آیه پیش‌گفته فرمودند: «خداوند پیامبرش را با محبت خود ادب کرد و او را تربیت کرد. خداوند وی را به احسن آداب تربیت کرد» (سپهری، ۱۳۷۶: ۶۳). چنین فردی که خود خداوند او را تربیت کرده، می‌تواند بهترین و زیباترین سرمشق باشد.

۲. شرح صدر

شرح صدر؛ یعنی بسط و فراخ روحی، فکری، علمی و عرفانی، که به وسیله آن می‌توان وحی را دریافت کرد، آن را تبلیغ کرد و برای تحمل هرگونه ناگواری آمادگی داشت.

زندگی پیامبر(ص) سراسر تحمل ناگواری‌های سخت و مشکلات بود؛ اگر پیامبر خدا سینه گشاده نداشت، نمی‌توانست مقاومت کند و در مقابل مشرکان دوام بیاورد. قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح: ۱)؛ آیا سینه تو را برایت گشایش نبخشیدیم.

خداوند به حضرت موسی(ع) نیز شرح صدر عطا فرمود؛ با این تفاوت که به موسی(ع) بعد از تقاضای شرح صدر از خدا که گفت: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه: ۲۵)، اما به حضرت

محمد(ص) قبل از درخواست، عنایت فرمود و این امتیاز حضرت محمد(ص) است بر سایر پیامبران.

۳. نرم‌خویی و مهربانی

رفتار نبی اکرم(ص) با اطرافیان، ملایم و خندان و خوشرو بود. هرگز خشن، سخت‌دل و پرخاشگر نبود؛ هیچ کس از او مأیوس نمی‌شد و هر کس به در خانه او می‌آمد، نومید باز نمی‌گشت.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّفُتِنَّا بِكَ لَمْ نَلِدْكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به سبب رحمتی که از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

نکته مهم این آیه، کلمه «لِنْتَ»؛ یعنی نرم‌خویی در مقابل خشونت و تندخویی است. این ویژگی خاص پیامبر(ص) بود که سبب موفقیت آن حضرت شد؛ زیرا اگر تندخو و خشن بود، مردم از اطراف او پراکنده می‌شدند.

آری جاذبه اخلاقی و تربیتی پیامبر(ص) به حدی بود که توانست قوم عقب‌مانده جاهل قبل از اسلام را به سوی خود جذب کند. آن حضرت با داشتن چنین اخلاق عظیم و ملکات بلند، باعث شد آن‌ها به آغوش دین اسلام بیایند.

۴. ناراحت و نگران برای امت

از ویژگی‌های پیامبر(ص) این است که از ناراحتی مردم و زیان و ضرری که به آن‌ها می‌رسید، به شدت ناراحت و نگران بود. خداوند رحمان در بیان شدت و شفقت و مهربانی آن حضرت می‌فرماید: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعرا: ۳)؛ شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند جان خود را تباه سازی.

در جای دیگر می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)؛ «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.

پیامبر(ص) هم «رئوف» است نسبت به کسانی که مطیع و فرمانبردار دستورات اسلامند و هم «رحیم» است نسبت به کسانی که ایمان دارند، اما ممکن است خطایی از آن‌ها سر بزنند. این دو صفت از بین صفات پیامبر(ص)، با صفت‌های خدا مشترک است.



پیامبر(ص) نسبت به مؤمنین به طور شدید دلسوز و مهربان است.

۵. تربیت حضوری و چهره به چهره

یکی از شاخص‌های نظام تربیتی پیامبر(ص) که در تربیت انسان تأثیر بسزا دارد، تربیت حضوری مترتبان است. پیامبر(ص) خود به سراغ مترتبان می‌رفتند، آنان را به اسلام دعوت کرده، معارف دین را به آن‌ها ارائه می‌دادند. دستور خداوند به پیامبر(ص) درباره دعوت اقوام و خویشاوندان به منزل ایشان، این مطلب را تأیید می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا: ۲۱۴)؛ خویشاوندان نزدیک را انذار کن. دعوت حضرت(ص) حضوری و چهره به چهره بود و تک تک آنان را به دین اسلام خواندند و برنامه خویش را اعلام کردند و از آنان خواستند که دعوت او را بپذیرند و به اسلام ایمان آورند.

تربیت حضوری، که ممکن است انفرادی باشد یا جمعی، از این ویژگی برخوردار است که مرتبی به طور مستقیم با فرد مورد نظر گفتگو کرده، پس از مذاکره و تبیین اهداف و برنامه‌های خود، او را به پذیرش دعوت می‌کند. پیامبر(ص) در سال‌های نخست بعثت در مکه، این روش را به کار گرفتند و بسیاری از افراد را این‌گونه تربیت کردند. شاید بتوان گفت: دعوت حضوری اگر انفرادی باشد، تأثیرش چند برابر خواهد شد. نمونه‌ای از تربیت چهره به چهره و انفرادی پیامبر(ص)، داستان زیدبن حارثه است که حضرت او را از برده‌فروشان خریدند و در راه خدا آزاد کردند. اما او پس از آزادی، پیامبر(ص) را رها نکرد و همواره در خدمت آن حضرت بود تا اینکه پیامبر، مبعوث به رسالت شد و اسلام را به او عرضه کرد. وی بلافاصله ایمان آورد و اسلام را به عنوان دین حق پذیرا شد. (سپهر، ۱۳۷۹، ج ۱: ص ۱۴۲-۱۴۱)

آنچه از سیره رسول خدا(ص) به دست می‌آید این است که از میان اقشار گوناگون مردم جزیره‌العرب، جوانان بیش از دیگران به دعوت‌های حضوری و انفرادی رسول خدا(ص) پاسخ مثبت دادند و به خدا و پیامبرش ایمان آوردند.

۶. رفق و مدارا با مترتبی

رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: «در بهشت جایی است که به آن خانه شادی گفته می‌شود. هیچ کس به آن خانه وارد نمی‌شود، مگر آنکه موجب شادی کودکان شود» (سپهری، ۱۳۷۶: ص ۲۵۴). شاید بتوان گفت: از مهم‌ترین شاخص‌های نظام تربیت نبوی،



تربیت به شیوه مدارا و گذشت است. گذشت، لطف و مدارا در برخورد با دیگران، اساساً یک روش قرآنی است که ریشه در وحی آسمانی دارد. خداوند خود را با اوصافی همچون: رحمان، رحیم، غفور و امثال آن معرفی می‌کند که نشان‌دهنده مفهوم گذشت، بخشش و مدارا با بندگان است.

طبق روایات بیان شده، پیامبر(ص) در عمل و رفتار با کودکان، مهربان بودند و حتی در زمان نماز، مراعات حال کودکان را می‌کردند. روزی رسول اکرم(ص) به نماز ایستاده بودند و امام حسین(ع) که کودک بودند، در کنار آن حضرت قرار داشتند. پیامبر(ص) تکبیر گفتند؛ ولی امام حسین(ع) نتوانستند آن را به خوبی ادا کنند. پیامبر(ص) تکبیر را تکرار می‌کردند و امام حسین(ع) می‌کوشیدند آن را به طور شایسته تلفظ کنند، اما موفق نمی‌شدند، تا اینکه پیامبر هفت مرتبه تکبیر گفتند و امام حسین(ع) دفعه هفتم توانستند آن گونه که سزاوار است تکبیر بگویند. بدین جهت هفت مرتبه تکبیر گفتن در اول نماز، سنت شد. (میرزایی، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

قرآن کریم به مردم خطاب می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)؛ به یقین، پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.

بر اساس آیه مذکور، مدارا با مرتب‌تری از شاخص‌های مؤثر در تعلیم و تربیت پیامبر اکرم(ص) است که آن حضرت نه تنها در حوزه آموزش و پرورش، بلکه در تمام صحنه‌های زندگی و در برخورد با مردم، شیوه ملایمت و گذشت را پیموده که قرآن کریم از آن به «خُلِقَ عَظِيمٌ» یاد می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و راستی که تو را خوبی والاست.

۷. وفای به عهد

علاوه بر رشد جسمی کودک، باید به رشد مسائل تربیتی و اخلاقی او هم توجه کرد. یکی از صفات ارزشمندی که در فطرت انسان ریشه دارد، وفای به عهد است؛ یعنی هر انسانی؛ وفای به عهد را کاری نیکو و تخلف از آن را کاری زشت و ناپسند می‌داند. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ هر کس به عهد و پیمان خویش وفا نکند دین ندارد.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۲: ۹۶)



پس هر گاه یکی از والدین به کودکش وعده‌ای داد، حتماً باید آن را وفا کند و تخلف نکند؛ چرا که طبق تعالیم اسلامی اگر تخلف کند، دروغی در پرورنده اعمالش نوشته می‌شود. (میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۱۳)

۸. تلفیق علم و عمل

قرآن کریم بر مطابقت علم و عمل تأکید فراوان دارد و بر این اساس، هر جا سخن از ایمان و اعتقاد قلبی است، در کنارش، عمل صالح را مطرح می‌کند. در این باره آیات زیادی وجود دارند؛ از جمله: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده: ۶۹)؛ کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین خواهند بود. در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیات پاک زنده می‌داریم. از این قبیل آیات در قرآن کریم فراوان است و از مجموع آنها برمی‌آید که علم و ایمان تنها کفایت نمی‌کند، بلکه ایمان همراه با عمل صالح، کارساز و نجات‌بخش است.

اساساً یکی از ویژگی‌های تربیتی انبیا(ع) تربیت از راه عمل بوده است، که برای تربیت دینی مردم، از آن استفاده می‌کرده‌اند؛ یعنی پیش از آنکه به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می‌کردند و برای مردم الگو قرار می‌گرفتند؛ چرا که بیشتر مردم از رفتار ظاهری دیگران تقلید می‌کنند یا پس از مشاهده رفتار مرتبان، دست کم زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می‌شود. پیامبر گرامی(ص) نیز در موارد متعدد، مانند تعلیم نماز و حج، از این شیوه استفاده می‌کردند و می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ نماز بخوانید آن‌گونه که من نماز می‌خوانم». (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۵: ۲۷۹)

درباره تلفیق علم و عمل و اهمیت دادن به عمل، روایات متعددی از معصومان(ع) رسیده است؛ از جمله امام صادق(ع) فرمودند: «مردم را با اعمال خود به خوبی‌ها دعوت نمایید و تنها به زبان اکتفا نکنید». (همان، ج ۵: ۱۹۸)

یعنی آنچه را با زبان خوب یا بد می‌دانید در عمل هم همان‌گونه رفتار کنید. گذشته از گفتار، سیره معصومان(ع) نیز نشان می‌دهد که آنچه از دیگران می‌خواستند، پیش از همه، خود بدان عمل می‌کردند.



نتیجه گیری

با توجه به آنچه در این نوشتار آمد، برای تربیت کودکان، نیازی به دستورالعمل، روش‌های پیچیده، شرایط خاص یا امکانات فوق‌العاده نیست، بلکه والدین فقط باید صبور باشند و اجازه دهند و آهسته‌تر حرکت کنند و به جای اندوختن ثروت‌های مادی، اندیشه‌های آنان را بارور سازند. نکته مهم این است که آنچه ما به کودکان می‌گوییم، در برابر آنچه آن‌ها در رفتار ما می‌بینند، ارزش کمتری دارد؛ زیرا آنچه برای آن‌ها مهم است، گفتارها و نصایح ما نیست، بلکه رفتار و عمل شایسته ماست.

مجموع آنچه ذکر شد، ارائه تصویری اجمالی از نظام تربیتی پیامبر اعظم(ص) بود تا نشان داده شود که تربیت نبوی چه شاخصه‌هایی دارد و از نظر علم و عمل، بر کدام ویژگی‌ها تأکید شده است. همچنین روشن شد شاخصه‌هایی که در نظام تربیتی پیامبر(ص) وجود دارند، اغلب مبتنی بر فطرت و سرشت ذاتی انسانند؛ که این امر،



جاودانه بودن تربیت نبوی را بیمه می‌کند؛ زیرا تا وقتی انسانی در عالم هست، اجرای تربیت نبوی برای شکوفاسازی فطرت وی ضروری می‌نماید. بر این اساس، نظام تربیت نبوی در هر زمان و مکان، قابل اجراست و ضرورت مراجعه به آن، نیاز امروز و آینده بشر است. در حقیقت، راهی برای برون‌رفت از معضلات فرهنگی و اجتماعی موجود در جهان امروز به نظر نمی‌رسد، جز بازگشت به آن تعالیم حیاتی رسول خدا(ص) که ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان است.

پیامبر اکرم(ص) اگر به عنوان زیباترین سرمشق معرفی شدند، فقط به دلیل این بود که در تعلیم ارزش‌ها، به جای صحبت و نصیحت دیگران، خود شخصاً و به مراتب بیشتر از دیگران آن فعل را انجام می‌دادند.

منابع:

قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق). لسان العرب. قم: أدب الحوزه.
- امین‌زاده، محمدرضا. (بی‌تا). فرهنگ تعلیم و تربیت اسلامی. قم: راه حق.
- بهشتی، احمد. (۱۳۶۰). تربیت از دیدگاه اسلام. قم: دفتر نشر پیام.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۵). ترجمه نهج البلاغه. قم: جمال.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). سیره نبوی، منطق عملی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- سپهری، میرزا محمدتقی. (۱۳۷۹). ناسخ التواریخ. تهران: کتابچی.
- سپهری، محمد. (۱۳۷۶). درآمدی بر سیره نبوی. قم: سیره.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم رفتاری. تهران: امیرکبیر، چ دوم.
- طباطبایی، علامه سید محمدحسین. (۱۳۸۶). سنن النبوی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۴۱۶ ق). میزان الحکمه. بیروت: دار الحدیث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۰۵). تفسیر نمونه. اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌ال بیت(ع).
- میرزایی، حبیب‌الله. (۱۳۸۴). تربیت فرزند در پرتو رهنمودها و رفتار پیامبر. مشهد: عروج اندیشه.